

بن بست

بر اساس نامه‌های مرتضی کیوان

م. ف. فرزانه

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران

فرزانه، مصطفی. ۱۳۰۸ش

بن‌بست: بر مبنای چند نامه از مرتضی کیوان/م. ف. فرزانه. - تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۴. ص. ۱۵۰.
مصور، نمونه.

ISBN 964-6082-18-1

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

چاپ قبلی: سرشار، ۱۹۹۱م. = ۱۳۷۰.

چاپ ۱۳۸۴؛ ۱. کیوان، مرتضی، ۱۳۳۳ - - نامه‌ها، ۲. حزب توده ایران.

الف. عنوان.

۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲

DSR 152A/51/5 ۹۴۱۲

کتابخانه ملی ایران ۷۹۸۲۸/۸۰م

• انتشار کتاب بن‌بست با توافق نویسنده و عقد قرارداد رسمی با ایشان صورت پذیرفته است. تکثیر، انتشار، اقتباس یا ترجمه و هر گونه استفاده رسمی و بصری و الکترونیکی این اثر جزناً و کلاً بدون دریافت مجوز کتبی از نشر تاریخ ایران ممنوع است.



نشر تاریخ ایران

نشر تاریخ ایران

(شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

بن‌بست

م. ف. فرزانه

حروفچینی: نشر تاریخ ایران

لینوگرافی: پارسیان ۶۶۴۶۲۵۶۶

چاپ اول ۱۳۸۴ ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۶۰۸۲-۱۸-۱ ISBN 964-6082-18-1

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است

مرتضی کیوان

متولد سال ۱۳۰۰ ش / ۱۹۲۱ م.

نام پدر بزرگ: حاج ملاعباسعلی کیوان قزوینی

نام عمو: شیخ یحیی، مشهور به واعظ قزوینی مدیر

روزنامه نصیحت قزوین

پدر: سقط فروشی در اصفهان که جوانمرگ می شود.

مرتضی در جوانی مجبور می شود نان آور خواهر و مادر

باشد.

اعدام: ۲۷ مهر ۱۳۳۳ / ۲۰ اکتبر ۱۹۵۴.

فهرست

۹	یادداشت ناشر
۱۳	بن بست
۶۳	نامه‌های مرتضی کیوان
۱۲۷	ضمیمه شماره ۱
۱۳۵	ضمیمه شماره ۲
۱۳۷	ضمیمه شماره ۳
۱۳۹	تصاویر
۱۴۷	فهرست اعلام

یادداشت ناشر

بخاطر زندگان

آنچه نشر تاریخ ایران را بر آن داشت تا کتاب بنیست را علی‌رغم مشکلات و طولانی شدن "دوره چاپ" منتشر کند، روشن نمودن نکات تاریک و مبهم تاریخ ایران زمین بود که احاد ملت بخشی از آن را تشکیل می‌دهند. مرتضی کیوان بین سال‌های ۳۳-۱۳۰۰ش / ۱۹۵۴-۱۹۲۱م زیست. به لحاظ تاریخی این دوره‌ای مهم از سرنوشت ملت ایران است. مرحله گذار از "سنت به مدرنیته" که می‌توان آن را در ابعاد مختلفی از دگرگونی در شکل حکومت همراه با تغییر نظام سلطنت از قاجاریه به پهلوی، تغییر ساختار حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تا دگردیسی ادبیات^۱ که با رویگردانی از ساختی کلاسیک به ساختی نوین در شعر و داستان همراه دانست. او در چنین فضایی چشم به جهان می‌گشاید؛ دوره کودکی، نوجوانی را با ترشه خانوادگی نسبتاً فرهنگی^(۱) پشت سر می‌گذارد. در مرز جوانی - شانزده سالگی - پشتمانه اقتصادی را از دست می‌دهد. بنابر این در گردونه کار و تلاش برای معاش به حلقه‌ای می‌آویزد که او را به محافل ادبی زمانه متصل می‌گرداند. این اولین تماس اوست، جایی که ادبیات و سیاست با هم می‌آمیزد. در برهه‌ایی که ایران

۱. برای اختصار برای شرح حال شیخ یحیی واعظ رجوع کنید به:

به مرور درگیر سیاست جهانی و جنگ بین الملل دوم می شد. اقتدار سیاسی کشور که در سایه سلطنت پرتسلطی، سالیان باستانی را پشت سر نهاده بود، اکنون به مرور دستخوش ناآرامی ناشی از جنگ، جابجایی پادشاه، حضور قوای بیگانه در پهنه ایران زمین و پیرو آن بحران اقتصادی و سیاسی را تجربه می کرد. در این شرایط، مرتضی که دوره جوانی - ۲۱ سالگی اش - را مزه مزه می کند، به تهران پا می گذارد.^(۱) به گفته خودش از همین زمان است که فعالیت سیاسی و ادبی اش را آغاز می کند.^(۲) اما آنچه که رسماً به عنوان عضویت سازمانی سیاسی است در سال ۱۳۲۴ ثبت شده است.

مدتی پس از جابجایی پادشاه جوان در ساختار قدرت و نیز به دلایل فشارهای ناشی از استیلای قدرت قبلی شرایطی مهیا می گردد که جناح بندی های مختلف ایدئولوژیکی - سیاسی در آن شکل می گیرند. به طبع این روزنه گشوده شده که تمامی تارپود کشور را فرا می گیرد و ادبیات نیز فارغ از آن نیست چنانچه شاهد دستاوردهای بسیار ادبی در شعر و داستان این دوره هستیم. شرایطی بسان دوره مشروطه که ایران قبلاً نیز آن را آزموده بود. شاید بتوان آن را "دگردیسی مجدد ادبیات نوین ایران" نام نهاد.

بنابر این "کار، سیاست و ادبیات" سه حلقه ای است که مرتضی کیوان پیوسته در آن استمرار می یابد، تا تلاش برای معاش، رهایی و اعتلای بشر و عشق ادبی اش در آن متجلی گردد، چنانچه می نویسد:

«هیچ یک از رفیقان و دوستان و آشنایان من، حتی مادرم نمی دانست که من همیشه در یک رنج دایمی به سر برده ام... اما من همیشه خندیده ام. زندگی را اگر یاره و پا در هوا یافته ام، نجیبانه و صادقانه متأثر شده ام و زهر ملال و اندوه در جانم دویده است... عدالت و حقیقت را اگر از دسترس خود و بشر دور دیده ام به دامن هنر آویخته ام و آن را بهترین سرگرمی و جاویدان ترین لذت انسانی شناخته ام... در همه حال و در همه کار، در هر احساس و در هر عاطفه نسبت به

۱. برای اطلاع رجوع کنید به "مردی که شب به سلام آفتاب رفت" از خانم پوراندخت سلطانی: کتاب مرتضی

کیوان، مسکوب، شاهرخ، انتشارات نادر، تهران، ۱۳۸۲، صص ۶۰-۵۸

۲. همان، صص ۲۱ و ۷۳.

آرامنم "صمیمیت" داشته‌ام و همیشه در پی بهروزی خود و دیگران بوده‌ام.^(۱) به تدریج و به موازات تثبیت قدرت سلطنت طی دهه‌های ۳۰-۱۳۲۰، او نیز به استمرار این سه حلقه ادامه می‌دهد تا جایی که به اذعان بسیاری از دوستان و ادیبان این دوره، او نقطه مرکزی حلقهٔ بیشتر اتصال ادیبان و سیاسی‌کاران این دوره را به عهده داشت.^(۲) اما زمانه و قدرت توفیق‌یافته مهری نداشت و سرانجام وی را در ۲۷ مهر ۱۳۳۳ به اعدام سپرد.

در پایان نکاتی وجود دارد که خوانندگان کتاب می‌بایست بدان توجه داشته باشند. کتاب حاضر از سه بخش مجزا تشکیل یافته است:

۱. یادداشت‌های م. ف. فرزانه

۲. نامه‌های مرتضی کیوان به م. ف. فرزانه

۳. بخش ضمانت

خوانندگان عزیز توجه داشته باشند که ویراستار این مجموعه در بخش اول "یادداشت‌های م. ف. فرزانه" نکات تحریری و ویرایشی به صورت پاورقی و با قید کلمه "ویراستار" مشخص نموده است. همچنین کلمات لاتین متن، به پاورقی (البته فقط در بخش نخست - یادداشت‌های م. ف. فرزانه - همانطوری که ملاحظه خواهد شد) منتقل شده است. همچنین "معنا و مفهوم" واژه‌های فرانسه در متن، برای آن دسته از خواننده و علاقمندانی که به این زبان آشنایی ندارند بصورت پاورقی درج شده است، تا خواننده گرامی به جریان مکاتبات روشن‌تر واقف گردند.

در بخش دوم، "نامه‌های مرتضی کیوان به م. ف. فرزانه" به همان سبک و سیاق درج شده است و اضافات و توشیحاتی که لازم به نظر می‌آمد، به صورت پاورقی و با قید کلمه "ویراستار" درج شده است. در بخش سوم "ضمیمه‌ها" نیز به همان شیوه عمل شده است.

۱. همان، ص ۶۴

۲. همان، ص ۹۹